

## الگوهای حکیمانه کودک پروری ایرانی - اسلامی

معصومه ذبیحی \*

صریح قرآن به پیامبران الهی نیز اعطاء شد و آنها نیز بعنوان اولین حکیمان الهی معرفی شدند تا دین خدا را با صلابت و حکمت در میان امت خویش ابلاغ نمایند و نه تنها بشریت را به خیر کشیدند بلکه اندیشه ایشان را از هر نقصی پاک نموده و آفرینش را بسوی نظام احسن سوق دهند.

این سیر متعالی در خلقت هر انسانی همواره در دنیا و آخرت همراه است تا وی را به کمال مطلوب برساند.

با ظهور اسلام، این مشعل فروزان در دست حکمای اسلامی نیز قرار گرفت تا از مرزهای معرفتی بشر محافظت نمایند و تلاش در این زمینه هیچگاه متوقف نشود. از اینرو قلب را با زیور شهود و عقل را با زینت حکمت آراستند تا همه از این شجره طیبه بهره‌مند گردند و از ثمره آن سیراب شوند.

در این میان با توجه به محور نوشتار حاضر حول فرزندپروری ایرانی - اسلامی، به عناصر مؤثر در جهت به ثمر نشاندن حکمت اسلامی در تعلیم و تربیت پرداخته میشود؛ آنچه ایرانی برخوردار از فرهنگ اسلامی را از سایر ملل متمایز میسازد.

قرنها پیش حکیمانی همچون ابن‌سینا، سهروردی، ملاصدرا و ... توجه خاصی به حکمت داشته‌اند و تعاریف و تعبیر متعدد و غزی در خصوص آن ارائه نموده‌اند. ملاصدرا، حکمت را فراتر از آن چیزی میدانند که قدما دنبال آن بودند و صرفاً حکمت را دانایی میدانستند. وی حکیم را جهانی نشسته در گوشه‌یی و حکمت را بالاتر از شناخت جهان و عالمی عقلی شدن می‌شمارد. گاهی آن را علمی که نیازمند مدخلیت جسم و بدن نیست معرفی میکند که عین انقطاع از نقایص دنیوی و رجوع و اقبال کلی به آفریدگار جهان برای علم باریتعالی و صفات و قوای معنوی و رسل و کتب او و مسائل دیگر جهانشناسی و خودشناسی میباشد و گاهی چنانکه در اسرارالآیات بیان داشته حکمت را در علم بالله و صفات و افعال و ملکوت و... میدانند.

### چکیده

یکی از عناصری که الگوهای کودک‌پروری ایرانیان را از سایر ملل، متفاوت و بلکه متعالی میسازد، حضور حکمت در اندیشه اسلامی - ایرانی این قوم است.

حکمت، از دیر باز حلقه اتصال تعلیم و تربیت و تمدن بشری بوده است. تاریخ تمدن بشر نیز همیشه گویای این حقیقت است که ایران همواره مهد تمدن و علم و حکمت بوده و با ظهور دین مبین اسلام، رونق تازه‌یی یافته و ثمره خویش را به جهانیان عرضه داشته است.

تعلیم و تربیت حکیمانه ایرانیان در گاهواره اسلام به بلوغ و بالندگی دست یافته و توانسته از خود الگوهایی باقی بگذارد که ملل دیگر، آنها را در اندیشه حکیمانه سرمشق خویش قرار دهند؛ چنانکه اگر تعصب ملی‌گرای ایرانی، خود را به میان نمی‌انداخت، چه بسا ایشان این الگوها را به نام ملل خویش و برای تاریخ فرهنگ خود به ثبت میرساندند!

در نوشتار حاضر، سعی شده به این الگوها پرداخته شود و تأثیر حکمت اسلامی - ایرانی در آنها بازخوانی گردد.

### کلیدواژگان

حکمت، ایرانیان، الگوهای کودک‌پروری

### مقدمه

نبوغ حکیمان و فیلسوفان مسلمان ایرانی، منشعب از دو گوهر گرانبه‌ای - قرآن و عترت - است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در میان پیروان خود به امانت باقی گذاشته‌اند.

ایمان و عمل صالح بعنوان مبانی این شجره طیبه از خود ثمره و میوه‌یی به نام حکمت پدید آوردند. از اینرو حکمت که یکی از اوصاف خداوند متعال است، به نص

\* استادیار دانشگاه آزاد واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهرری؛

zabihierfan@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۷/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۵

نکته مهمی که در این تعاریف هست کاربردی بودن حکمت است و اینکه حکمت مقدمه‌یی برای سعادت بشر است.

از منظر ملاصدرا منبع دریافت حقیقت، فقط یک چیز است که در سه مرحله و درجه عقل، شهود و وحی متجلی میشود و هر یک جایگاه خاص خود را دارد. حکمت را حق تعالی افاضه کرده و به همین سبب، دارای مزیت ذاتی است که در آن نهفته و خطا در آن راه ندارد.

واقعیت‌ترین حکمت، حکمتی است که در آن شناخت بیشتر و بهتر جهان و رهیافت زندگی مطرح باشد، نه آنکه تفکر را به نوعی بازی زبانی و کشف دقایق یا دیگر کجراهه‌هایی رهنمون سازد که موجب سرگردانی بشر است؛ چنانکه در دوران معاصر در غرب رواج یافته است.

رهبران و عالمان دینی ما همواره به این کارکرد حکمت توجه داشته‌اند و در الگوهای تعلیم و تربیت توصیه کرده‌اند که زمان خویش را دریابید و نسبت به عالم پیرامون خود معرفت داشته باشید؛ چرا که جهان، متصل به خالق خود است و این معرفت، بین شما و مبدأ آفرینش ارتباط و اتصال برقرار میکند.

با توجه به محور نوشتار حاضر در بررسی تأثیر و نقش حکمت ایرانی - اسلامی در امر تعلیم و تربیت و بطور خاص بحث کودک‌پروری، در ادامه به بیان مدلها و الگوهای کاربردی در این خصوص می‌پردازیم:

## ۱. ایجاد آمادگی برای پرورش روحی

منظور از بعد روحی که اساس و محتوای شخصیت فرد بشمار میرود، پیوند درونی با خدای متعال و گرایش روحی و عاطفی به او در قالب ایمان، محبت، اخلاص و... است. پیوند درونی با خداوند، انسان را بسوی عبادت سوق میدهد و تربیت روحی نیز موجب شکلگیری پیوند درونی و همچنین گسترش و پایداری این پیوند میگردد (معن، ۱۳۸۷: ۳۳).

اهمیت پرورش روحی در تربیت از دو جهت است:

**الف) اصلاح اجتماعی که تنها در پرتو اصلاح فردی انجام میشود؛** چنانکه خداوند متعال میفرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم» (رعد/۱۱).

همچون شخصیت، که بر اثر توسعه کمی و کیفی و تحقق برخی از متغیرات اجتماعی، تجسم می‌یابد؛ چنانکه

پیامبر گرامی(ص) نیز میفرمایند: «من أصبح و لایهتم بأمر المسلمین فلیس بمسلم»؛ هرکس که صبح میکند و به امور مسلمانان اهتمامی ندارد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۶۳/۲؛ راوندی، ۱۳۷۷: ۱۴۲).

پس لازمه پیوند روحی و قلبی با خداوند، عمل بر طبق دستورات الهی است.

**ب) تحمل سختیها راهی است که اراده انسان در پیمودن مسیر آن، باید آماده‌سازی شود.** روحی که بخواهد تأثیرگذار باشد و در دیگران تحول ایجاد کند باید به سختیهای این مسیر طولانی توجه داشته باشد. این جنبه نیز تنها در پرتو عبادت، امکانپذیر است.

از اینرو در الگوهای کودک‌پروری در جامعه ایرانی - اسلامی، ارتباط و پیوند درونی با خدای متعال اهمیت بسیاری دارد زیرا هم در اصلاح فردی و هم در اصلاح اجتماعی مؤثر است و اراده و انگیزه کودک را برای مواجهه با زندگی سراسر لبریز از پستی و بلندی تقویت میکند.

## ۲. ایجاد رابطه میان ساحت اندیشه و بندگی

از عناصر دیگری که در شخصیت کودک، نقش اساسی ایفا میکند، تفکر است. رشد فکری او میتواند در رشد فکری جامعه بشری هم مؤثر واقع شود و شیوه زندگی متفکرانه وی، بر ارزشهای اخلاقی و فرهنگی جامعه او تأثیرگذار باشد.

بطورکلی، اندیشه‌یی میتواند تأثیری عمیقتر داشته باشد که حکیمانه باشد یعنی هدفمندانه حرکت کند و خلاق باشد.

از اینرو تفکر حکمت‌آمیز، باید در الگوهای کودک‌پروری، جایی داشته باشد. نکته قابل تأمل این است که حکمت، میراث انبیاست و فراگیری حکمت، شرط عقل و سیره عقلاست.

ملاصدرا در کتاب *المظاهر الالهیه* ذکر میکند که حکمت مقدمه برای سعادت بشر است و هر کس دین را نپذیرد حکیم نیست (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۷).

نخستین عنصر لازم برای شکلگیری شخصیت دیندار، بینش ایمانی یا ایمان از روی بینش است که در پرتو توجه درونی و تعامل با جهان هستی در راستای ارتباط با خداوند پدید می‌آید. با این عنصر، اندیشه دینی متحول

میگردد و بعبارت بهتر وارد مرحله بینش فکری یا بصیرت میشود؛ یعنی آن نوع اندیشه‌یی که پیامدها و نتایج عملی را بدنبال داشته باشد و همواره در ذهن انسان و همه مراحل زندگی او حاضر باشد.

تعالی شخصیت موجب میشود که انسان در برخورد با امور کوچک و کم ارزش، خویشتندار باشد و آرامش روانی و اطمینان قلب پیدا کند و این زمانی تحقق می‌یابد که انسان، حقایق بزرگ هستی را در یک نگرش کلی و فراگیر و در قالبهایی پایدار و تغییرناپذیر با تمام وجود احساس و لمس کند و این تربیتی است که بر پایه حکمت استوار است.

حکمت در انسان، ایستایی و توقف و تعطیلی برنمیدارد و هسته مرکزی حکمت، اندیشیدن و تفکر است و از نقاط درخشانی است که در مرکز دایره حکمت قرار گرفته است. هر چقدر دایره شناخت انسان و اندیشه او نسبت به جهان هستی و آفرینش بیشتر میشود، رهیافت او به زندگی سعادت‌مند تحقق بیشتری پیدا میکند و از کجراهه‌های سرگردانی دورتر میشود.

ابن‌سینا در این خصوص میگوید: هرگاه انسان از نفس خود کاملاً دور شود و به حق تعالی بپیوندد، هر قدرتی را غرق در قدرت او ببیند و همه علوم را غرق در علم او لحاظ کند و هر اراده‌یی را در اراده او ببیند و هر وجودی را صادر از او بداند، در این مقام، متخلق به اخلاق الله شود (ابن‌سینا، ۱۳۸۹: ۳/۳۸۹).

وی دو شرط اساسی را برای رسیدن به این مرحله ذکر میکند: اول حصول استعداد و دوم از بین بردن موانع (همان: ۳۹۹).

آنچه در بدو آفرینش کودک وجود دارد، استعدادها و بیشماری است که او را بسوی بندگی فرامیخواند و باید این استعدادها را در راه درست و حیات طیبه جهت داد. مرحله دوم کلام ابن‌سینا به مریبان برمیگردد که چقدر میتوانند مؤثر باشند و این موانع را برای پرورش استعدادها از سر راه بردارند تا شکوفایی این قوا در کودک بروز پیدا کند. پس روشهای پرورشی صحیح میتواند کودک را به ساحت بندگی نزدیک سازد.

### ۳. ایجاد روشهای تربیتی - معرفتی

روشهای تربیتی در حکمت ایرانی - اسلامی با روشهای غربی متفاوت است. مبانی تربیت حکیمانه، نه تنها بر اساس

عقل و اندیشه سلیم بلکه بر رهنمودهای قرآن و عترت نیز استوار است و در تمامی مراحل تربیتی، به فطرت و حفظ آن از زشتیها و مکروهات توجه ویژه شده است.

در متون حکمت‌پرور ایرانی، مرسوم بوده که از ابتدا به کودک آموزشهایی میدادند تا او را برای مقابله با ناراستیها و پلشتیها آماده سازند و چنان اندیشمندان این آموزه‌ها در وجودشان به عمق میرفته که جزو باورهای ماندگار شخصیت آنان میشده و در صحنه‌های مختلف از آن پایدارانه، دفاع میکردند.

یکی از روشهای تربیتی والدین این بوده است که به کودکان خود اجازه میدادند که شاهد بحث و گفتگوهای عالمانه در موضوعات اعتقادی و مذهبی و فلسفی باشند و در میان این اندیشه‌ها و عقاید، مکتب درستی را انتخاب کنند و لذت انتخاب آگاهانه را بچشند. در واقع این شیوه‌یی است که در قرآن کریم نیز تعلیم داده میشود؛ چنانکه میفرماید: «یستمعون القول فیتبعون احسنه» (زمر/۱۸) یعنی اقوال مختلف را بشنوید و از میان آنها بهترین را انتخاب کنید. همچنین با ذکر تمثیلهای آدمی را به تفکر وامیدارد تا روح و روان آماده پذیرش شود و بتواند ریشه‌های تفکر را در وجود خود آبیاری کند و بسوی اندیشه‌های برتر حرکت نماید (ساجدی، ۱۳۸۶: ۷۶-۷۴).

برخی از روشهای تربیتی - معرفتی حکیمانه عبارتند از:

#### الف) توحیدگرایی

حکمت ایرانی - اسلامی، نوعی فلسفه زندگی با در نظر گرفتن رابطه انسان و خدا میباشد. اعتقاد به دانستی که از آن توانایی زاده میشود - توانا بود هر که دانا بود - آمیزش توانایی و دانایی را در حکمت ایرانی نشان میدهد و از آنجا که این حکمت بر اصل توحید یعنی وجود دانا و توانای مطلق قرار دارد، معتقد است که بشر را بسوی خیر و سعادت سوق میدهد.

پس درس اول این است که کودک بداند: عالم وجود چیست و علت و خالق آن کیست؟ موجودات چگونه بوجود می‌آیند و چگونه زندگی میکنند و در نهایت به کجا میروند؟

#### ب) واقع‌گرایی

حکمت ایرانی - اسلامی براساس واقع‌گرایی بنا شده و از خیال‌پردازی، خود را دور نگه‌داشته است. انسان در عالمی زندگی میکند که در آن میتواند به تعالی برسد و



در سیر آفاقی و انفسی به حقیقت عالم هستی دست یابد. همه آنچه در دنیا خلق شده است، ابزاری برای دستیابی بشر به عالم معناست. پس همه چیز دارای تقدسی است که نمیگذارد آدمی، فانی شود و با اتصال به عالم معنا، بقای او را تضمین میکند. چنین نگرشی در انسان، پویایی و حیات می‌آفریند که با اختیار خویش میتواند در سرنوشت خود دخیل باشد و آنچه را که از جانب خداوند بر وی تفویض میشود، در اندیشه و گفتار و رفتار خویش بخوبی در زندگی پیاده سازد.

### ج) تعبد

در حکمت ایرانی - اسلامی، عبادت با طبیعت بشر هماهنگ است و سبب میشود که انسان خود را از هستی و خالق آن دور نیابد. نیایش و راز و نیاز موجب رشد و نمو انسان میشود و اسباب سرور و شادمانی درونی وی را فراهم می‌آورد و موجب اتصال به منشأ هستی میگردد.

از اینرو، یکی از توصیه‌های اساسی حکیمان در خصوص کودک‌پروری، سوق دادن آنها به اطاعت از خدا و انجام فرایض دینی است.

البته باید دانست که همه چیز در عبادت خلاصه نمیشود. عبادت و جنبه روحی، ارتباط محکم و تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ چرا که جنبه روحی همان پیوند درونی با خداوند متعال است و همین پیوند و گرایش درونی است که پارسایی و پرهیزگاری و تعبد را بدنبال می‌آورد. عبادت، موجب تقویت ایمان به خدا و دوستی و اخلاص برای وی و نیز تقویت هدف آفرینش انسان در این دنیاست.

### د) خودآگاهی

از روشهای تربیتی - معرفتی در حکمت ایرانی- اسلامی، توجه و روشن‌سازی عنصر خودآگاهی است؛ اینکه انسان درباره ذات خود دارای بینش فکری باشد که این بینش برای پیشرفت و پرورش روحی او اجتناب‌ناپذیر است. عناصری همچون احساس مسئولیت، عزت‌نفس و... میتواند این نگرش ذاتی انسان را تقویت کند.

خودآگاهی در نوع ارتباط انسان با خدا و انسانهای دیگر و جهان پیرامونش مؤثر است. وقتی کودک عزت‌نفس خود را حفظ کند، تجلی آن در رابطه‌اش با دیگر موجودات مشخص میشود. از اینرو هر عاملی در کودک احساس خواری و حقارت ایجاد کند، نه تنها در

ذات او انعکاس خواهد داشت بلکه به جهان پیرامونش سرایت خواهد کرد. حفظ کرامت نفس در انسان اسباب بروز تواناییهایش را فراهم می‌آورد و باورهای ایمانی بهتر و بیشتری را در او شکل میدهد.

### ه) برنامه‌ریزی

آنچه در حکمت ایرانی - اسلامی حائز اهمیت است، داشتن نقشه راه و برنامه برای کودکان و جوانان است؛ چرا که حکما با دانستن اینکه راه تعلیم و تربیت و پرورش صحیح بسی پرفراز و نشیب و پرخطر و دست‌انداز است، در پی آن بودند که با شیوه صحیح، علوم و تجربیات خود را به نسل بعدی منتقل کنند و آنها را برای رسیدن به هدفی که برای آن آفریده شده‌اند، آماده سازند.

بدیهی است که کودک در مراحل اولیه، «هماندندنداری» میکند و با سادگی تمام، خود را به آنچه حس میکند، میسپارد. در این مرحله مهم است که چه مدلها و معیارهایی سر راه او قرارمیگیرد. در این دوران نمیتوان، کودک را از بازیها و سرگرمیهایش دور کرد و صرفاً به او فلسفه و حکمت آموخت، اما اینکه او را به سمت بازیهای سوق دهیم که در جهت هدف تعالی او موجب سرگرمی وی شده و در اعماق وجودش جاگیر شود، همان پرورش حکیمانه کودک است.

بدین طریق کمک میکنیم تا تخیلات و صورتهای ذهنی او نیز به سمت رشد و تعالی سوق داده شود و به چراهای او پاسخ صحیح داده شود.

در گذشته حکما، کودکان و جوانان را برای تعلیم و تدریس انتخاب مینمودند و سالیان سال با آنان زندگی میکردند و پرورششان میدادند و سؤالاتشان را پاسخ میگفتند و آنها را آماده باروری میساختند و والدین نیز همانند لقمان با محوریت حکمت و فلسفه در نقش مربی و مربی ظاهر میشدند و سعی در هدایت و پرورش در جهت تعالی داشتند و به قول حافظ: «تا راه بین نباشی کی راهبر شوی؟»

### و) آسان‌اندیشی

برای اندیشه‌ورزی کودک باید سهلترین راهها را فراهم نمود تا میان جهل و علم سرگردان نشود. در شرایط معمولی برای خروج از جهل و دستیابی به علم، باید سرگشتگی و رنجوری را متحمل شد، چرا که برخی امور از دایره اختیار و انتخاب انسان خارج است و شاید در

جرگه عادهای بشر قرار گیرد که خیلی زود از آنها دست بکشد و یا آنها را نادیده بینگارد. اما ذهن کودک این سختی را بر خود آسان میگیرد و راحت و بی‌زحمت می‌اندیشد و حرکت از سوی جهل به دانایی را نوعی بازی می‌پندارد که از آن دست برنمیدارد تا به پاسخ خویش برسد.

کودک از پیشفرضها و حجابهایی که ما برای اندیشیدن داریم، مبراست و جهان را آنچنان که هست میبیند نه آنچنان که میخواهد. برای او ناتوانی در دانستن، بیمعناست. او میخواهد بداند و کسب این آگاهی برایش هیچ سختی و مرارتی ندارد. گاهی چنان پرسشهای بکری میپرسد که برای پاسخ به آنها باید ساعتها اندیشید.

پس کودک که قابلیت اندیشیدن آسان را دارد، به شرطی که توسط مربی سرکوب نشود و پرسشهای حقیقی با پاسخهای مجازی مواجه نگردد، میتواند فعال و خلاقانه اندیشیدن را یاد بگیرد و در بزرگسالی کمتر به خطا رود.

ذهن کودک همه پاسخها را علامتگذاری میکند و در شرایط مقتضی، علائم را کنار هم قرار میدهد و اگر میان آنها همخوانی پیدا نکند، دچار بی‌اعتمادی و سرخوردگی میشود. پس باید در اندیشیدن بگونه‌یی او را هدایت نمود که آرام آرام جایگاه تفکر و تعقل خویش را بیابد.

مربیان باید از ابتدا این فرض را در نظر داشته باشند که قرار است فرزانه‌یی تربیت کنند که در مرحله فرزاندگی همانگونه آسان می‌اندیشد که در کودکی می‌اندیشید. اندیشیدن و استفاده از قدرت تعقل برای کسی که تفکر را نوعی زایش میداند سخت نیست بلکه گرانمایه و بدیع است.

### ز) آشنایی با آثار حکما

با گذری به آثار حکمای اسلامی و ایرانی، اهمیت تعلیم، تربیت و کودک‌پروری را نزد ایشان می‌یابیم. برخی از کتابهایی که بطور خاص به مقوله تربیت و پرورش کودک پرداخته‌اند عبارتند از: *قابوس‌نامه*، *کیمیای سعادت*، *سندبادنامه*، *کلیله و دمنه*، *چهار مقاله*، *مرزبان‌نامه*، *اخلاق ناصری*، *گلستان و بوستان*.

بعنوان مثال، سعدی در *بوستان و گلستان* مهمترین آموزه‌های تربیتی کودک را چنین بیان میکند:

۱. تشویق و تنبیه کودک باید به موقع باشد و نباید

بیهوده او را مورد عتاب قرار داد چرا که تأثیر چنین تربیتی در بزرگسالی بخوبی مشخص میشود.

فروکوفت پیری پسر را به چوب  
بگفت ای پدر بی‌گناهم مکوب  
توان بر تو از جور مردم گریست

ولی چون تو جورم کنی چاره چیست؟

(سعدی، ۱۳۶۸: ابیات ۲۶۰۰-۲۵۹۹)

۲. والدین باید کودکان را از مهر و عطف خود سرشار سازند تا آنها برای بدست آوردن مهرانی به هرکسی دست نیاز دراز نکنند.

پسر را نکو دار و راحت رسان

که چشمش نماند به دست کسان (همان: بیت ۳۱۷۱)

۳. پرورش استعدادهای ذاتی کودکان در وهله اول در اختیار والدین است که هم بطور موروثی به آنها منتقل میکنند و هم اجازه هدر رفتن این قوا را نمیدهند.

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست

درباغ لاله روید و در شوره زار خس (همو، ۱۳۶۷: ۶۲)

یا در جایی دیگر میگوید:

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است

تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است (همان: ۶۱)

۴. فراهم کردن محیط بیرونی برای تربیت نیز از وظایف والدین است.

هنر بنمای اگر داری نه گوهر

گل از خارست و ابراهیم از آزر (همان: ۱۸۰)

۵. داشتن نگاه عادلانه به فرزندان نیز نکته‌یی است که در حکایات *گلستان* مشهود است.

۶. سعدی در *بوستان* بر هنر و حرفه‌آموزی کودک تأکید میکند تا در روزگار غربت، دست حاجت بسوی دیگران دراز نکند (همو، ۱۳۶۸: ابیات ۳۱۶۶-۳۱۶۲).

۷. تأکید سعدی بر تأثیر دوستان و همنشینان فرزند از آموزه‌های دیگر وی است.

جامه کعبه را که میبوسند

او نه از کرم پيله نامی شد

با عزیزی نشست روزی چند

لاجرم همچو او گرامی شد (همو، ۱۳۶۷: ۱۵۸).

۸. سعدی معتقد است که نباید در تربیت کودک کوتاهی کرد، چرا که در بزرگسالی، تأثیر خوب یا بد آن عیان میگردد.



هر که در خردیش ادب نکنند

در بزرگی فلاح از او برخاست (همان: ۱۵۵).

۹. نقش نصیحت و اندرز در تربیت کودک را نمیتوان در نگاه سعدی نادیده گرفت.

به نزد من آن کس نکوخواه تست

که گوید فلان خار در راه تست

(همو، ۱۳۶۸: بیت ۹۲۱)

اینها نمونه‌هایی از توجه حکما به کودک‌پروری در آثارشان میباشد و بطور قطع در اندیشه حکیم فردوسی نیز مواردی وجود دارد که میتوان بسیاری از آموزه‌های وی در اینباره را در *شاهنامه* ملاحظه کرد که البته بررسی و پژوهش خاص خود را میطلبد.

از اینرو با قاطعیت میتوان اذعان داشت که بهترین روشهای تربیتی - معرفتی که کودک ما را بسوی حکمت روانه میسازد، در آثار حکیمان مسلمان این سرزمین نهفته است و به قولی فلسفه و تفکر به زمان ویژه‌یی محدود نیست و از زمانی که کودک به هستی گام مینهد، خردورزی را آغاز میکند (مصلح و بهادری، ۱۳۹۵: ۹۲-۸۰).

مسلم است که تبیین الگوهای کودک‌پروری نزد حکمای مسلمان بطور جامع در این مختصر نمیگنجد و لازم است تمامی متون حکمت‌آمیز ایرانی مورد بررسی قرار گیرد و از لابلاي آن گنج تربیت کودک استخراج گردد و چه با ارزش است اگر کاری مستمر در این زمینه برای کودکان امروز انجام پذیرد و با دنیای مدرن و ابزارهای آن تطبیق داده شود.

### نتیجه‌گیری

گوهر وجود انسان، مرواریدی است که باید تراشی مناسب به آن داد تا با مقتضیات وجودی هر انسانی

تناسب داشته باشد. تربیت، آن ابزار صیقل‌دهنده و شکل‌دهنده این گوهر است. کودک جواهری نتراشیده است که باید او را پرورش داد و تربیت نمود تا تجلی آن در بزرگسالی، نمود جامعه‌یی متکامل و فرهیخته باشد. از عناصر اصلی تربیت، حکمت است. حکمت فقط اندیشیدن نیست بلکه خلاقیت و هر لحظه آفرینش است؛ هنر بدیع است. والدین باید حکیم و حکیمانه بتوانند در راستای به ظهور رساندن کودک‌پروری گام بردارند، چرا که اندیشه باید از آبشخوری پاک سیراب شود. این فضای تربیتی در ایران اسلامی ما با داشتن بن‌مایه‌های حکیمانه اسلامی براحتی میتواند از آبشخور معنوی پیشینیانمان سرچشمه بگیرد و ارتزاق نماید.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن‌سینا (۱۳۸۹) ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات، نگارش حسن ملکشاهی، تهران، انتشارات سروش، تهران.
۳. راوندی، فضل‌الله (۱۳۷۷) *النوادر*، تحقیق سعیدرضا علی عسگری، قم، موسسه دارالحدیث الثقافیه.
۴. ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۶) *دین‌گریزی چرا؟*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۵. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۸)، *بوستان*، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی.
۶. -----، *گلستان* (۱۳۶۷) تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: اقبال.
۷. ملاصدرا (۱۳۷۸) *المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه*، تصحیح، تحقیق و مقدمه استاد سیدمحمد خامنه‌ای، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۹. مصلح، ملیحه؛ بهادری، رقیه (۱۳۹۵) «سادگی و ژرفا در بیان پیوند زندگی و مرگ»، *نشریه نازج*، شماره ۲.
۱۰. معن، شیخ حسین (۱۳۸۷) *تربیت توحیدی*، ترجمه احمد ناظم، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.